

بود - جعفر نامیده شده بود، اما پیامبر نام او را به حسین تغییر داد (ابن حنبل، ج ۱، ص ۱۵۹؛ دولابی، ص ۹۹، ۱۲۱؛ طبرانی، ج ۳، ص ۹۸). اما بنا بر روایات شیعی، پیامبر بدو و پیش از آنکه نامی برای او انتخاب شود نام حسین را به امر خدا بر آن حضرت نهاد (برای نمونه - کلینی، ج ۶، ص ۳۳-۳۴؛ ابن بابویه، ۱۳۸۵-۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۳۷-۱۳۸؛ طوسی، ۱۴۱۴، ص ۳۶۷؛ برای نقد محتوایی روایات دیگر - قرشی، ج ۱، ص ۳۱-۳۲). در برخی روایات تأکید شده است که نامهای حسن و حسین از اسامی بهشتی بوده و پیش از اسلام سابقه نداشته‌اند (ابن سعد، ج ۱، ص ۳۵۷؛ دولابی، ص ۱۰۰؛ برای اقوال مشابه درباره نام‌گذاری امام حسن علیه‌السلام - حسن بن علی، امام).

کنیه امام حسین در تمام منابع ابو عبدالله ذکر شده (برای نمونه - ابن ابی‌شیه، ج ۸، ص ۶۵؛ ابن قتیبه، ۱۹۶۰، ص ۲۱۳؛ طبرانی، ج ۳، ص ۹۴؛ مفید، همانجا)، اما خصیصی (ص ۲۰۱) کنیه‌اش را نزد خاصه ابوعلی دانسته است. به امام حسین علیه‌السلام القاب فراوانی نسبت داده شده که بسیاری از آنها با القاب برادرش، امام حسن علیه‌السلام، مشترک است (حسن بن علی، امام). از القاب خاص امام، زکی، طیب، وفی، سید، مبارک (ابن ابی‌الثلج، ص ۲۸؛ ابن طلحه شافعی، ج ۲، ص ۳۷۴)، نافع، الدلیل علی ذات‌الله (ابن ابی‌الثلج، همانجا)، رشید، و التابع لمرضاة‌الله (ابن طلحه شافعی، همانجا) بوده است (برای فهرستی از القاب آن حضرت - ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۸۶). ابن طلحه شافعی (همانجا) لقب زکی را مشهورتر از دیگر القاب و لقب سید شباب اهل‌الجنة را مهم‌ترین آنها دانسته است. در پاره‌ای از احادیث امامان شیعه نیز امام حسین علیه‌السلام با لقب شهید یا سیدالشهداء خوانده شده است (برای نمونه - حمیری، ص ۹۹-۱۰۰؛ ابن قولویه، ص ۲۱۶-۲۱۹؛ طوسی، ۱۴۱۴، ص ۴۹-۵۰؛ مجلسی، ج ۳۷، ص ۹۴-۹۵؛ نیز - سیدالشهداء، ص ۵). در برخی متون ادبی و تاریخی متعلق به سده‌های چهارم به بعد برای امام حسین لقب امیرالمؤمنین نیز یاد شده است (برای نمونه - ابن‌اعثم کوفی، ترجمه فارسی، ص ۸۰۲، ۸۴۶؛ ناصرخسرو، ص ۷۲-۷۵، ۸۵؛ سنایی، ص ۲۶۲، ۲۶۶؛ مجدخوافی، ص ۲۲، ۲۶، ۲۰۵، ۲۷۱؛ جنید شیرازی، ص ۲۵۱-۲۵۲)، که با توجه به اینکه آن حضرت هیچگاه خلافت ظاهری نیافت، در خور توجه است.

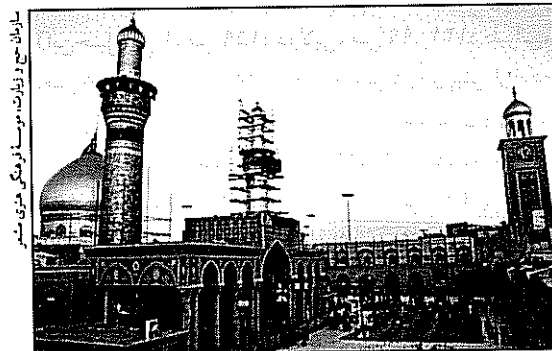
ولادت و شهادت. در اینکه زادگاه امام حسین علیه‌السلام مدینه است، اختلافی نیست (برای نمونه - مفید، همانجا؛ طوسی، ۱۴۰۱، ج ۶، ص ۴۱). سال تولد او را نیز سال سوم (هجری) کلینی، ج ۱، ص ۴۶۳؛ طوسی، ۱۴۰۱، همانجا؛ ابن‌عبد البر، ج ۱، ص ۳۹۲، چهارم (ابن سعد، ج ۶، ص ۳۹۹؛ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۴۶؛ دولابی، ص ۱۰۲، ۱۲۱؛ طبری، ج ۲، ص ۵۵۵؛

اردلان، تهران ۱۳۶۸؛ وهیب شاعر، اردن... إلى أين؟ الهوية الوطنية والاستحقاقات المستقبلية، بیروت ۲۰۰۴؛ محمد کنوش شرعه، التجربة الديمقراطية في الاردن: الجذور... الواقع... التحديات... الآفاق، المستقبل العربي، ش ۲۵۷ (تموز ۲۰۰۰)؛ جورج لنجوفسکی، تاریخ خاورمیانه، ترجمه هادی جزایری، تهران ۱۳۳۷؛ علی محافظه، الديمقراطية المعقّدة: حالة الاردن، ۱۹۸۹-۱۹۹۹، بیروت ۲۰۰۱؛ احمد سعید نوفل و ذیاب مخادمه، اتجاهات العلاقات الاردنية- الفلسطينية على ضوء اتفاقيات التسوية مع اسرائيل، السياسة الدولية، ش ۱۳۶ (أوریل ۱۹۹۹)؛

Hani Amad, *Cultural policy on Jordan*, Paris 1981; Alexander Bligh, *The political legacy of King Hussein*, Brighton 2002; Roland Dallas, *King Hussein: a life on the edge*, London 1999; King Hussein. Retrieved Sep.21, 2008, from [http:// www.kinghussein.gov.jo](http://www.kinghussein.gov.jo); James Lunt, *Hussein of Jordan: searching for a just and lasting peace*, New York 1989; Beverley Milton-Edwards and Peter Hinchcliffe, *Jordan: a Hashemite legacy*, London 2001; Philip Robins, *A history of Jordan*, Cambridge 2004; Kamal Salibi, *The modern history of Jordan*, London 1998; Zayd J. Sha'asha, "The role of the private sector in Jordan's economy", in *Politics and the economy in Jordan*, ed. Rodney Wilson, London: Routledge, 1991; Martin Sicker, *Between Hashemites and Zionists: the struggle for Palestin, 1908-1988*, New York 1989; Peter Snow, *Hussein: a biography*, London 1972.

/ محمد مالکی /

حسین بن علی، امام. امام سوم از امامان دوازده‌گانه شیعه امامیه و یکی از چهارده معصوم. به اتفاق همه منابع، نام و نسب او حسین بن علی بن ابی‌طالب بن عبدالمطلب بن هاشم است. جد مادری‌اش پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، پدرش امیرمؤمنان علی علیه‌السلام و مادرش فاطمه سلام‌الله‌علیها دختر رسول خداست (ابن سعد، ج ۶، ص ۳۹۹؛ ابوالفرج اصفهانی، ص ۵۱؛ مفید، ج ۲، ص ۲۷). پیامبر او را به نام پسر دوم هارون، شبیر، حسین نامید (ابن سعد، ج ۶، ص ۳۵۶-۳۵۷؛ ابن‌حنبل، ج ۱، ص ۹۸، ۱۱۸؛ دولابی، ص ۹۹؛ کلینی، ج ۶، ص ۳۳؛ قس ابن سعد، همانجا؛ دولابی، ص ۱۲۲، که حسین را مشتق از حسن شمرده‌اند). بنا بر برخی روایات، امام علی دوست داشت که او را حرب بنامد، اما در نام‌گذاری بر پیامبر پیشی نگرفت (ابن بابویه، ۱۳۶۳؛ ش ۲، ص ۲۶-۲۵؛ فضل‌بن حسن طبرسی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۴۲۷-۴۲۸؛ قس بلاذری، ۱۹۹۶-۲۰۰۰، ج ۲، ص ۴۵۴). بنا بر روایات دیگر، نخست امام به نام عمویش، جعفر طیار - که در آن زمان هنوز در حبشه



سیدالشهدا علیه السلام، قبل از سقف شدن صحن

عکس از: کمال الدین شاعر ۱۳۸۵ ش

۶۱ هجری در سرزمین نینوا (کربلا) در عراق به شهادت رسید (ابن سعد، ج ۶، ص ۴۴۱؛ بلاذری، ۱۹۹۶-۲۰۰۰، ج ۲، ص ۵۱۲؛ طبری، ج ۵، ص ۳۹۴، ۴۰۰؛ طوسی، ۱۴۰۱، ج ۶، ص ۴۱-۴۲؛ قس طبری، ج ۵، ص ۳۹۴، که بنابر روایتی شهادت امام را در ماه صفر دانسته است؛ ابن ابی الثلج، همانجا، که سال شهادت را شصتم هجری ذکر کرده است).

روز شهادت امام را جمعه (ابن سعد، همانجا؛ طبری، ج ۵، ص ۴۲۲؛ ابوالفرج اصفهانی؛ طوسی، ۱۴۰۱، همانجاها)، شنبه (طبری؛ ابوالفرج اصفهانی؛ طوسی، ۱۴۰۱، همانجاها)، یکشنبه (دولابی، ص ۱۳۳) و دوشنبه (کلینی؛ طوسی، ۱۴۰۱، همانجاها) گزارش کرده (نیز فضل بن حسن طبرسی، ۱۴۱۷، همانجا) و در این میان روز جمعه را قول صحیح و مشهور شمرده‌اند (ابن سعدی، تنبیه، ص ۳۰۳؛ ناطق بالحق، ص ۱۱). ابوالفرج اصفهانی (همانجا) قول شهادت امام در روز دوشنبه را قولی شایع میان مردم دانسته و آن را از نظر محاسبات تقویمی مردود شمرده است (نیز ناطق بالحق، همانجا).

سن امام را به هنگام شهادت ۵۶ سال و پنج ماه (ابن سعد؛ ابوالفرج اصفهانی، همانجاها؛ نیز ابن قتیبه، ۱۹۶۰، ص ۲۱۳؛ بلاذری، ۱۹۹۶-۲۰۰۰؛ یعقوبی، همانجاها؛ طبرانی، ج ۳، ص ۱۱۵، که سن امام را ۵۶ سال نوشته‌اند)، ۵۷ سال و پنج ماه (فضل بن حسن طبرسی، ۱۴۱۷، همانجا؛ نیز کلینی، ج ۱، ص ۴۶۳؛ ۵۷ سال و چند ماه؛ ابن ابی الثلج؛ مسعودی، تنبیه، همانجاها؛ ۵۷ سال) و ۵۸ سال (ابن سعد؛ ابن قتیبه، ۱۹۶۰، همانجاها؛ طبرانی، ج ۳، ص ۹۸-۹۹، ۱۰۳، ۱۰۵؛ طوسی، ۱۴۰۱، همانجا) ذکر کرده‌اند (برای اقوال گوناگون درباره سن امام به هنگام شهادت و روز و ماه و سال آن به مزی، ۱۴۲۲، ج ۶، ص ۴۴۵-۴۴۶).

سوانح حیات

پیش از امامت، ابن سعد (ج ۶، ص ۳۹۹) امام حسین علیه السلام را در زمره واپسین طبقه (طبقه پنجم) از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم که به هنگام وفات آن حضرت خردسال بودند و در هیچ جنگی او را همراهی نکردند - یاد کرده است. قریب به هفت سال از زندگانی امام در زمان حیات پیامبر گذشت (ابن ابی الثلج، همانجا؛ دلائل الامامة، ص ۱۷۷). پیامبر او و برادرش را بسیار گرامی می‌داشت، چنانکه آن دو را بر سینۀ خود می‌نشاند و در همان حال با مردم سخن می‌گفت (ابن سعد، ج ۶، ص ۴۰۱) و گاهی آن دو را بر دوش خود می‌نهاد (ابن ماجه، ج ۱، ص ۲۱۶؛ طبرانی، ج ۳، ص ۶۵)، بنا به نقلی، روزی پیامبر بر بالای منبر سخنرانی می‌کرد و چون آن دو را دید از منبر پایین آمد و ایشان را در آغوش گرفت (ابن حنبل، ج ۵، ص ۳۵۴؛ ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۱۹۰؛ ترمذی، ج ۵، ص ۳۲۴). اما مهم‌ترین رخداد دوران

ابوالفرج اصفهانی، ص ۵۱؛ مفید، همانجا)، پنجم (ابن عبد البر، ج ۱، ص ۳۹۳) و ششم هجری (حاکم نیشابوری، ج ۳، ص ۱۷۷؛ ابن عساکر، ج ۱۴، ص ۱۱۶) ذکر کرده‌اند. روز ولادت وی، بنابر قول مشهور، سوم شعبان بوده است (مجلسی، ج ۴۴، ص ۲۰۱)، اما برخی، زادروز امام را آخر ربیع الاول (طوسی، ۱۴۰۱، همانجا)، پنجم ماه شعبان (ابوالفرج اصفهانی؛ مفید، همانجاها؛ ابن طلحه شافعی، ج ۲، ص ۳۷۲) یا یکی از نخستین شبهای ماه شعبان (ابن سعد؛ طبری؛ دولابی، همانجاها) نوشته‌اند. بنابه روایتی، امام در غروب پنجشنبه متولد شد (ابن بابویه، ۱۳۶۳ ش، ج ۱، ص ۲۸۲؛ برای اقوال مختلف درباره روز و ماه و سال تولد امام به فضل بن حسن طبرسی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۴۲۰؛ مزی، ۱۴۲۲، ج ۶، ص ۳۹۸-۳۹۹). فاصله تولد امام حسین و امام حسن را شش ماه و ده روز (کلینی، ج ۱، ص ۴۶۴؛ ابن ابی الثلج، ص ۸)، ده ماه و بیست و دو روز (ابن قتیبه، ۱۹۶۰، ص ۱۵۸) و یک سال و ده ماه (دولابی، ص ۱۰۱؛ ابن عبد البر؛ ابن عساکر، همانجاها) گزارش کرده‌اند.

پس از تولد، پیامبر همان آدابی را برای او به جا آورد که درباره حسن بن علی انجام داده بود، مانند گفتن اذان و اقامه در گوش نوزاد و عقیقه کردن (برای تفصیل بیشتر به حسن بن علی، امام). به نوشته ابن سعد (ج ۶، ص ۴۰۰-۴۰۱)، ام فضل (همسر عباس بن عبدالمطلب)، به امر پیامبر، دایگی امام را برعهده گرفت و بدین ترتیب امام برادر رضاعی قثم بن عباس، که او نیز شیرخواره بود، گردید (نیز به ابن اعمش کوفی، ج ۴، ص ۳۲۳؛ قس ابن حنبل، ج ۶، ص ۳۴۰؛ دولابی، ص ۱۰۶؛ بهاء الدین اربلی، ج ۲، ص ۳۰۸، ۳۲۰، ۳۴۸-۳۴۹، که این موضوع را به امام حسن علیه السلام نسبت داده‌اند). اما کلینی (ج ۱، ص ۴۶۵) روایاتی نقل کرده است که بنابر آنها امام حسین علیه السلام از هیچ زنی، حتی مادرش فاطمه زهرا علیها السلام، شیر نخورد.

امام حسین علیه السلام در دهم محرم (روز عاشورا) سال

۳۵۶؛ مفید، ج ۱، ص ۲۵؛ مجلسی، ج ۴۲، ص ۲۳۵-۲۹۴-۲۹۵). در دوره امامت امام حسن علیه السلام، که حدود ده سال به طول انجامید (ع ابن ابی الثلج، همانجا؛ دلائل الامامة، ص ۱۵۹، ۱۷۷)، امام حسین همراه و همگام برادر بود. با اینکه طبق برخی منابع تاریخی، امام حسین با واگذاری خلافت به معاویه مخالف بود (ع بلاذری، ۱۹۹۶-۲۰۰۰، ج ۲، ص ۳۹۳، ۴۵۶؛ ابن اعثم کوفی، ج ۴، ص ۲۸۹-۲۹۰) و حتی پس از صلح امام حسن، با معاویه بیعت نکرد (ابن اعثم کوفی، ج ۴، ص ۲۹۲)، پس از وقوع صلح به این مصالحه ملتزم بود. حتی وقتی برخی شیعیان از او تقاضا کردند پیمان را بشکنند و با معاویه بجنگد، به آنان امر کرد که تا زمان مرگ معاویه منتظر بمانند (ع بلاذری، ۱۹۹۶-۲۰۰۰، ج ۲، ص ۴۵۷-۴۵۸). ابن سعد (ج ۶، ص ۴۱۰-۴۱۵) از امام باقر علیه السلام روایت کرده که امام حسن و امام حسین، در نماز به مروان - که منصوب از جانب معاویه بود - اقتدا می کردند و حال آنکه حسین بن علی با وی برخوردهای تند داشت؛ ضمن آنکه، تقی‌های هم در کار نبود. اما این روایت با شمار زیادی حدیث در منابع شیعه که از اقتدا به غیر معتقدان به عقاید صحیح و نیز اقتدا به شخص فاسق نهی کرده است، سازگار نیست (ع حر عاملی، ج ۸، ص ۳۰۹-۳۱۸). مواجهه قاطع و صریح امام با مروان به هنگام اهانت به مادرش فاطمه سلام الله علیها نیز گزارش شده است (ع احمد بن علی طبرسی، ج ۲، ص ۲۳). همچنان که در برابر سب امام علی علیه السلام از سوی امویان، به شدت واکنش نشان می داد (ابن سعد، ج ۶، ص ۴۰۹-۴۱۰، ۴۱۵؛ برای گزارش برخورد متفاوت امام حسن علیه السلام ع همانجا؛ نیز ع حسن بن علی، امام، در کل، گزارش منابع نشان می دهد که امام حسین در زمان امامت امام حسن آشکارتر از برادر در برابر بنی امیه موضع می گرفت و علناً با آنان مخالفت می کرد (برای نمونه ع همان، ج ۶، ص ۴۱۴-۴۱۵). با این حال، به رغم برخی اختلافهای ظاهری در رفتار امام حسن و امام حسین علیهما السلام (ع همان، ج ۶، ص ۴۱۳؛ ابن ابی شیهه، ج ۲، ص ۱۷۴)، غیر از توضیحاتی که از منظر عقیده امامت منصوص مطرح می شود، از نظر تحلیل تاریخی نیز وحدت رویه کلی آن دو قابل اثبات است (نمونه ای از این هماهنگی در مراسم خاکسپاری امام حسن گزارش شده است ع حسن بن علی، امام، امام حسین پس از شهادت امام حسن علیه السلام، با وجود افرادی که به سن از وی بزرگ تر بودند، شریف ترین فرد از خاندان هاشم به شمار می رفت (ع یعقوبی، ج ۲، ص ۲۲۶؛ نیز ع ابن سعد، ج ۶، ص ۴۰۹، که از احترام خاص ابن عباس به وی سخن گفته است) و در امور خویش با او مشورت می کردند و نظر او را بر رأی دیگران ترجیح می دادند (ع ابن سعد، ج ۶، ص ۴۱۴-۴۱۵).

کودکی امام، شرکت در مباحله* و معرفی او و برادرش به عنوان مصداق «ابناءنا» (ع آل عمران: ۶۱؛ برای بیان امام رضا علیه السلام درباره این آیه ع ابن بابویه، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۲۳۱-۲۳۲) بود (ع ابن سعد، ج ۶، ص ۴۰۶-۴۰۷؛ مسلم بن حجاج، ج ۷، ص ۱۲۰-۱۲۱؛ ابن بابویه، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۸۵؛ مفید، ج ۱، ص ۱۶۸؛ برای اقوال مشابه درباره امام حسن علیه السلام ع حسن بن علی، امام). بنابه گزارشی، امام حسین علیه السلام در کودکی به خلیفه دوم، که بر منبر پیامبر نشسته بود، اعتراض کرد و خلیفه نیز خطبه خود را نیمه کاره رها کرد و از منبر به زیر آمد (ابن شیهه نمیری، ج ۳، ص ۷۹۸-۷۹۹). همچنین روایت شده است که خلیفه دوم سهم بیت المال امام حسن و امام حسین علیهما السلام را، به سبب قرابت آنان با رسول خدا، همانند سهم حضرت علی علیه السلام و اهل بدر قرار داده بود (ابن سعد، ج ۶، ص ۴۰۷). در برخی منابع تاریخی از حضور امام حسین علیه السلام به اتفاق برادرش در فتح طبرستان به سال ۲۹ هجری یاد شده است (ع بلاذری، ۱۴۰۷، ص ۴۶۷؛ طبری، ج ۴، ص ۲۶۹؛ درباره این گزارش ع حسن بن علی، امام). در زمان خلافت عثمان، امام حسین به هنگام تبعید ابوذر به ریزه، در کنار پدر و برادرش امام حسن او را مشایعت کرد (مسعودی، مروج، ج ۳، ص ۸۴؛ ابن ابی الحدید، ج ۸، ص ۲۵۳؛ برای سخن وی خطاب به ابوذر ع مجلسی، ج ۲۲، ص ۴۱۲-۴۱۳). به روایتی، در شورش برضد عثمان، امام حسین، به توصیه امام علی، همراه با برادرش کوشید عثمان را از خطر محفوظ دارد (نعمین حماد، ص ۸۴-۸۵) و به نقلی، در این واقعه مجروح شد (ابن شیهه نمیری، ج ۳، ص ۱۱۳۱؛ قس ابن قتیبه، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۵۸، ۶۲؛ مسعودی، مروج، ج ۳، ص ۸۹، که این مجروح شدن را به امام حسن علیه السلام نسبت داده اند). امام حسین در جنگهای دوره خلافت امام علی نیز حضور داشت (ع بلاذری، ۱۹۹۶-۲۰۰۰، ج ۲، ص ۱۸۷، ۲۱۳، ۲۴۶، ۳۲۳؛ مسعودی، مروج، ج ۳، ص ۱۰۴-۱۱۴، ۱۳۶) و در جنگ صفین خطبه ای در تحریض به جهاد خواند (ع نصر بن مزاحم، ص ۱۱۴-۱۱۵). همچنین امام علی، امام حسین را پس از امام حسن علیهم السلام متولی صدقات (موقوفات) خود قرار داد (ابن شیهه نمیری، ج ۱، ص ۲۲۷؛ نهج البلاغه، نامه ۲۴). به نقلی، امام حسین به هنگام شهادت پدر، برای انجام دادن مأموریتی که علی علیه السلام به او داده بود، در مدائن بود و با نامه امام حسن علیه السلام از موضوع آگاه شد (بلاذری، ۱۹۹۶-۲۰۰۰، ج ۲، ص ۳۵۶؛ قس ج ۲، ص ۳۵۷). امام حسین در مراسم تجهیز و خاکسپاری پدر حاضر بود (ع ابن قتیبه، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۸۱؛ بلاذری، ۱۹۹۶-۲۰۰۰، ج ۲، ص ۳۵۵).

امامت در دوران خلافت معاویه. پس از وفات امام حسن علیه السلام، مردم کوفه برای قیام برضد معاویه به امام حسین علیه السلام نامه نوشتند، اما امام ضمن آنکه مشروعیت حکومت معاویه بر مسلمانان را رد کرد و بر جهاد با ظالمان تأکید نمود، از قیام دوری گزید و آن را به پس از مرگ معاویه موکول کرد (همان، ج ۶، ص ۴۲۲-۴۲۳؛ بلاذری، ۱۹۹۶-۲۰۰۰، ج ۲، ص ۴۵۸-۴۵۹؛ مفید، ج ۲، ص ۳۲). معاویه نیز از قیام امام بیم داشت و پس از شهادت امام حسن از امام خواست که از قیام بپرهیزد و امام پایبندی خود را به عهدنامه صلح به وی یادآوری کرد (ابن سعد، همانجا؛ قس بلاذری، ۱۹۹۶-۲۰۰۰، ج ۲، ص ۴۵۹-۴۶۰). معاویه نیز به تعهد مالی سالیانه خود ادامه داد (بلاذری، ۱۹۹۶-۲۰۰۰، ج ۲، ص ۴۶۰).

معاویه خود به خوبی از میزان نفوذ امام حسین علیه السلام در مدینه آگاه بود، چنانکه به فردی از قریش گفته بود هرگاه حلقه‌ای از جمعیت در مسجدالنبی دیدی که سخن هزلی در آن نیست، آن حلقه حسین است (ابن سعد، ج ۶، ص ۴۱۴). زمانی که معاویه برای یزید بیعت می‌گرفت، امام از معدود کسانی بود که بیعت با یزید را نپذیرفت و در خطابه‌ای قاطع معاویه را محکوم کرد (همان، ج ۶، ص ۴۲۲؛ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۲۸؛ ابن‌اعثم کوفی، ج ۴، ص ۳۳۷-۳۳۹، ۳۴۲-۳۴۳؛ طبری، ج ۵، ص ۳۰۳) و، برخلاف دیگر افراد بنی‌هاشم، هدیه معاویه را نیز قبول نکرد (ابن‌اعثم کوفی، ج ۴، ص ۳۳۹). معاویه نیز، با توجه به جایگاه امام، به یزید توصیه کرده بود که با امام مدارا کند و در صدد بیعت گرفتن از امام نباشد (ابن سعد، ج ۶، ص ۴۲۳؛ طبری، ج ۵، ص ۳۲۲؛ ابن‌اعثم کوفی، ج ۴، ص ۳۴۹-۳۵۰؛ ابن‌بابویه، ۱۴۱۷، ص ۲۱۵-۲۱۶).

امامت در دوران خلافت یزید - کربلا، واقعه

شمایل و سیره. در بیشتر منابع حدیثی و تاریخی و رجالی کهن از شباهت حسین بن علی به پیامبر اکرم سخن گفته شده (بلاذری، ۱۹۹۶-۲۰۰۰، ج ۲، ص ۳۶۶، ۴۵۳؛ دولاپی، ص ۱۰۴؛ طبرانی، ج ۳، ص ۹۵؛ ناطق‌الحق، ص ۱۱؛ مفید، ج ۲، ص ۲۷) و در یک روایت، امام حسین شبیه‌ترین فرد به پیامبر وصف شده است (ابن‌حنبل، ج ۳، ص ۲۶۱؛ بخاری، ج ۴، ص ۲۱۶؛ ترمذی، ج ۵، ص ۳۲۵). بنابر روایتی دیگر از امام علی، آن حضرت فرزندش حسین را شبیه‌ترین فرد به خود از نظر خلق و خو و رفتار، دانسته است (ابن سعد، ج ۶، ص ۴۱۳؛ بلاذری، ۱۹۹۶-۲۰۰۰، ج ۲، ص ۱۲۳).

امام حسین علیه السلام سپید چهره بود (ناطق‌الحق، همانجا). گاه عمامه‌ای از خز (طبرانی، ج ۳، ص ۱۰۱) و گاه عمامه‌ای سیاه بر سر می‌گذاشت (ابن سعد، ج ۶، ص ۴۱۵؛ ابن‌ابی‌شیه، ج ۶، ص ۴۶؛ طبرانی، ج ۳، ص ۱۰۰). موی سر و

محاسن خود را خضاب می‌نمود (ابن سعد، ج ۶، ص ۴۱۳-۴۱۷؛ ابن‌ابی‌شیه، ج ۶، ص ۳، ۱۵). نقش دو انگشتی او یکی «لا اله الا الله، عُدَّةُ لِقَاءِ اللَّهِ» و دیگری «ان الله بالغ امره» بود (کلینی، ج ۶، ص ۴۷۳-۴۷۴؛ ابن‌بابویه، ۱۴۱۷، ص ۱۹۳، ۱۹۴، ۵۴۳). امام حسین علیه السلام ۲۵ بار، همراه با نزدیکانش، پیاده حج گزارد (ابن سعد، ج ۶، ص ۴۱۰؛ طبرانی، ج ۳، ص ۱۱۵؛ ابن‌عبدالبر، ج ۱، ص ۳۹۷). با مسکینان می‌نشت، دعوت آنان را می‌پذیرفت و با آنان غذا می‌خورد و آنان را نیز به خانه خود دعوت می‌کرد و آنچه در منزل داشت از ایشان دریغ نمی‌کرد (ابن سعد، ج ۶، ص ۴۱۳). دشمنان امام نیز به فضائل او معترف بودند، چنان که معاویه می‌گفت که حسین همچون پدرش علی اهل غدر و حيله نیست (ابن‌اعثم کوفی، ج ۳، ص ۴۰) و عمرو بن عاص او را محبوب‌ترین فرد از زمینیان نزد اهل آسمان می‌دانست (ابن سعد، ج ۶، ص ۴۰۸؛ ابن‌ابی‌شیه، ج ۷، ص ۲۶۹).

او همواره احترام برادرش، امام حسن علیه السلام، را پاس می‌داشت و در برابرش سخن نمی‌گفت، چنانکه محمد بن حنفیه با امام حسین چنین برخورد می‌کرد (مجلسی، ج ۴۳، ص ۳۱۹؛ نیز برای روایتی دیگر درباره احترام امام حسین به امام حسن علیه السلام بهاء‌الدین اربلی، ج ۲، ص ۴۸۱؛ و برای احترام محمد بن حنفیه به امام حسین به ابن‌شهر آشوب، ج ۴، ص ۷۴). امام بسیار بخشنده بود و در مدینه به جود و کرم شناخته شده بود (ابن‌شهر آشوب، ج ۴، ص ۷۳). اگر سائلی از او درخواست می‌کرد و امام در حال نماز بود، نمازش را کوتاه می‌کرد و هر چه در اختیار داشت، به او می‌داد (ابن‌عساکر، ج ۱۴، ص ۱۸۵). او غلامان و کنیزانش را در قبال خوش رفتاریشان آزاد می‌کرد. به نقلی، کنیزی را که معاویه همراه با اموال و لباسهای فراوانی برایش هدیه فرستاده بود، در ازای خواندن آیاتی از قرآن و سرودن شعری درباره فتنای دنیا و مرگ انسانها آزاد کرد و اموال را بدو بخشید (ابن‌عساکر، ج ۷۰، ص ۱۹۶-۱۹۷؛ برای موارد مشابه به ابن‌حزم، ج ۸، ص ۵۱۵؛ بهاء‌الدین اربلی، ج ۲، ص ۴۷۶). حتی یکبار یکی از غلامانش کار ناشایستی کرد که درخور عقاب بود ولی چون غلام آیه «والعافین عن الناس» را خواند، او را بخشید، سپس غلام گفت: «والله يحب المحسنين»، و امام او را در راه خدا آزاد کرد (بهاء‌الدین اربلی، ج ۲، ص ۴۷۸-۴۷۹). دین اسامه بن زید را، که در بستر بیماری افتاده و از پرداختن عاجز مانده بود، از جانب او پرداخت (ابن‌شهر آشوب، ج ۴، ص ۷۲-۷۳). بنابه روایتی، زمین و اشیایی را که به او ارث رسیده بود، پیش از دریافت آن بخشید (قاضی نعمان، ج ۲، ص ۳۳۹). دینه مردی را در ازای پاسخ به سه پرسش به طور کامل پرداخت و انگشتی‌اش را نیز بدو عطا کرد (مجلسی، ج ۴۴، ص ۱۹۶؛ نیز به ابن‌ابی‌الدنیا،

شاهد آن اقوالی از صحابه درباره مقام علمی آن حضرت و تقاضای افتاء از اوست (برای نمونه ← ابن بابویه، ۱۳۵۷ ش، ص ۸۰؛ ابن عساکر، ج ۱۴، ص ۱۷۴، ۱۸۰، ۱۸۳-۱۸۴). به برخی سخنان خود امام حسین علیه السلام درباره امامت خویش (← ابن بابویه، ۱۳۶۳ ش الف، ج ۱، ص ۶۸؛ خزاز رازی، ص ۲۳۰-۲۳۴) و نیز پاره‌ای معجزات و کرامات که به دست آن حضرت تحقق یافت نیز در اثبات امامت وی استناد شده است (← فضل بن حسن طبرسی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۴۲۳؛ برای نمونه ← صفار قمی، ص ۲۹۱؛ ابن بابویه، ۱۳۶۳ ش ۳، ج ۲، ص ۵۳۷؛ طوسی، ۱۴۰۱، ج ۵، ص ۴۷۰؛ قطب‌راوندی، ج ۱، ص ۲۴۵-۲۴۶؛ دلائل الامامة، ص ۱۸۱-۱۸۳، ۱۸۶، ۱۸۸-۱۸۹؛ ابن عساکر، ج ۱۴، ص ۸۲؛ ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۵۷، ۵۹-۶۰؛ مجلسی، ج ۴۴، ص ۱۸۵-۱۸۶؛ هاشمین سلیمان بحرانی، ج ۲، ص ۸۳-۲۳۰؛ نیز ← حبابه والیه*). گفتنی است گاه در انتساب پاره‌ای از کرامات یا فضایل یا برخی افعال، بین امام حسن و امام حسین علیهما السلام خلاصه شده است.

فضائل و مناقب. در منابع حدیثی شیعه و سنی مناقب و فضائلی خاص درباره امام حسین علیه السلام، از زمان ولادت تا شهادت آن حضرت، نقل شده است. از جمله گفته شده است که دوران «حمل» وی شش ماه بود که نظیر آن پیشتر تنها درباره عیسی بن مریم یا یحیی بن زکریا رخ داده بود (← کلینی، ج ۱، ص ۴۶۵؛ ابن بابویه، ۱۳۸۵-۱۳۸۶، ج ۱، ص ۲۰۶؛ دلائل الامامة، ص ۱۷۷؛ نیز ← ابن بابویه، ۱۳۶۳ ش ۳، ج ۱، ص ۴۶۱؛ ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۹۲). هنگام ولادت او جبرئیل به همراه هزار فرشته از آسمان فرود آمدند تا ولادتش را به پیامبر تبریک گویند (کلینی، ج ۱، ص ۴۶۴؛ ابن بابویه، ۱۳۶۳ ش ۳، ج ۱، ص ۲۸۲-۲۸۴؛ دلائل الامامة، ص ۱۹۰؛ ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۸۲) و آنگاه جبرئیل پیامبر را از شهادت وی به دست امت مسلمان و نیز تداوم امامت در نسل او آگاه کرد (کلینی، همانجا؛ نیز برای تفصیل بیشتر ← ابن بابویه، ۱۳۸۵-۱۳۸۶، ج ۱، ص ۲۰۵-۲۱۰؛ برای تشبیه تداوم امامت از صلب امام حسین نه برادرش حسن علیهما السلام به ماجرای هارون و موسی ← ابن بابویه، ۱۳۶۲ ش، ج ۱، ص ۳۰۵؛ برای فهرستی از روایاتی درباره اخبار پیامبر از شهادت امام حسین علیه السلام ← عبدالله بن نورالله بحرانی، ج ۱۷، ص ۱۱۳-۱۳۳). جبرئیل مثنی از خاک کربلا را نیز برای پیامبر آورد و این خاک بعدها نزد ام سلمه بود و او از تغییر رنگ آن در روز عاشورا، از شهادت نواده پیامبر یا خبر شد (ابن سعد، ج ۶، ص ۴۱۷-۴۱۹؛ ابن حنبل، ج ۶، ص ۲۹۴؛ ابن قولویه، ص ۱۳۲؛ ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۶۳). در روایات فراوانی پیامبر اصحابش را از شهادت فرزندش حسین آگاه کرده بود (برای نمونه ← صفار قمی، ص ۶۸؛ کلینی،

ص ۱۴۰؛ کلینی، ج ۴، ص ۴۷؛ ابن بابویه، ۱۳۶۲ ش، ج ۱، ص ۱۳۵-۱۳۶، درباره بخشش حسنین علیهما السلام). کرم او به حدی بود که زن و مردی یهودی به سبب این خلق نیکوی او مسلمان شدند (ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۸۳). او به آموزگار فرزندان مال و لباس بسیار اعطا کرد و دهانش را از دُر پرکرد، در حالی که می‌گفت این جبران‌کننده تعلیم تو نیست (همان، ج ۴، ص ۷۳-۷۴). درباره حلم امام گفته‌اند که وقتی مردی شامی به او و پدرش ناسزا گفت، از او درگذشت و او را مورد لطف قرار داد (← ابن عساکر، ج ۴۳، ص ۲۲۴-۲۲۵). گفته شده است اثر انبان آذوقه‌ای که برای ایتم و مساکین بر پشتش حمل می‌کرد، در روز شهادت آشکار بود (ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۷۳).

امامت، نص و تعیین الهی، به اعتقاد شیعه، از جمله شروط اساسی و ضروری برای اثبات امامت هر امامی است. این نص درباره امام حسین علیه السلام نیز به طرق مختلف وارد شده است. از آن جمله است حدیث مشهوری از پیامبر که بر امامت حسنین دلالت دارد (← قاضی نعمان، ج ۱، ص ۳۷؛ ابن بابویه، ۱۳۸۵-۱۳۸۶، ج ۱، ص ۲۱۱؛ خزاز رازی، ص ۱۱۷؛ مفید، ج ۲، ص ۳۰؛ نیز ← حسن بن علی*، امام). افزون بر این، احادیثی از پیامبر رسیده است که در آنها به تعداد امامان و امامت امام علی، امام حسن و امام حسین علیهم السلام و نه تن از فرزندان حسین بن علی تصریح شده است (برای نمونه ← ابن بابویه، ۱۳۶۳ ش ۳، ج ۱، ص ۲۵۸-۲۵۷؛ خزاز رازی، ص ۱۳-۱۴، ۲۳، ۲۸-۲۹، و جاهای دیگر؛ نیز برای روایاتی مشابه از امام علی و امام حسن علیهما السلام ← خزاز رازی، ص ۲۱۷، ۲۲۱-۲۲۳). دلیل دیگر، وصیت امام حسن درباره جانشینی امام حسین پس از وی و سفارش به محمد حنفیه به پیروی از آن حضرت است (← ابن اعثم کوفی، ج ۴، ص ۳۱۹؛ کلینی، ج ۱، ص ۳۰۱-۳۰۲؛ خزاز رازی، ص ۲۲۹؛ فضل بن حسن طبرسی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۴۲۱-۴۲۳؛ نیز برای اعتراف محمد حنفیه به امامت آن حضرت ← همان، ج ۱، ص ۴۲۳). مفید (ج ۲، ص ۳۰-۳۱) بر آن است که با توجه به ادله مذکور، امامت امام حسین علیه السلام ثابت و قطعی است گرچه آن حضرت، به سبب تقیه و التزام به صلح و ترک مخاصمه (هذنه)، آشکارا به امامت خود دعوت، نکرد؛ اما پس از مرگ معاویه و اتمام دوره ترک مخاصمه، امامت را علنی کرد (نیز ← فضل بن حسن طبرسی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۴۲۳-۴۲۴).

علم به جمیع شئون و معارف دین به شکل تام و کامل نیز از لوازم امامت است؛ از این رو، امام علی علیه السلام از او، همچنان که از امام حسن، خواست برای مردم سخنرانی کند تا بعدها قریشیان او را به نداشتن علم منسوب نکنند (← ابن بابویه، ۱۴۱۷، ص ۴۲۵؛ همو، ۱۳۵۷ ش، ص ۳۰۷-۳۰۸).

ج ۱، ص ۲۰۹؛ ابن قولویه، ص ۱۴۳-۱۴۸؛ ابن بابویه، ۱۴۱۷، ص ۸۹). به جز پیامبر، امام علی و امام حسن علیهما السلام نیز از ماجرای شهادت آن حضرت خبر داده بودند (ع نصرین مزاحم، ص ۱۴۲؛ ابن سعد، ج ۶، ص ۴۱۹-۴۲۰؛ ابن قولویه، ص ۱۴۹-۱۵۶؛ ابن بابویه، ۱۴۱۷، ص ۱۷۷-۱۷۸، ۱۹۶-۱۹۷؛ همو، ۱۳۶۳ ش ۳، ج ۱، ص ۲۵۹-۲۶۰، ج ۲، ص ۵۳۲-۵۳۵؛ مفید، ج ۱، ص ۳۳۰-۳۳۱؛ ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۹۳-۹۴؛ برای تفصیل مآخذ روایی در منابع اهل سنت ع امینی، ص ۴۹-۱۵۰). چنانکه خداوند انبیای پیشین را از شهادت امام آگاه ساخته بود (برای فهرستی از این روایات ع عبداللّه بن نورالله بحرانی، ج ۱۷، ص ۱۰۱-۱۱۲).

درباره حوادث روز عاشورا و پس از شهادت آن حضرت و نیز عقوبت کسانی که در شهادت امام دست داشتند، نیز امور معجزه‌آسایی نقل شده است (ع کربلا، واقعه). از جمله گفته‌اند خدا در روز عاشورا چهار هزار فرشته‌ای را که در جنگ بدر به یاری پیامبر فرستاده بود، به سوی او فرود آورد و امام مخیر شد که از بین پیروزی و دیدار با پیامبر یکی را برگزیند و او ترجیح داد به لقای پیامبر نایل شود. این فرشتگان به امر خدا تا روز قیامت بر مزارش گریه می‌کنند و برای زائران دعا و طلب بخشش می‌کنند (ع ابن قولویه، ص ۱۷۱-۱۷۲، ۳۵۴؛ ابن بابویه، ۱۳۶۳ ش ۳، ج ۲، ص ۶۷۲؛ دلائل الامامة، ص ۱۷۸).

در منابع حدیث و تفاسیر شیعه نیز آیاتی از قرآن درباره امام حسین علیه السلام تأویل یا تطبیق (در این باره ع جری و انطباق^۵) شده است. از جمله آیه ۱۵ سورة احقاف که در آن از مادر بارداری سخن گفته شده است که با رنج کودک خویش را حمل می‌کند و با درد او را به دنیا می‌آورد. این آیه ناظر به فاطمه زهرا سلام الله علیها دانسته شده که در دوران حمل فرزندش خبر شهادت او را از پیامبر از طریق جبرئیل شنید و غمگین شد (ع کلینی، ج ۱، ص ۴۶۴؛ ابن قولویه، ص ۱۲۲؛ ابن بابویه، ۱۳۸۵-۱۳۸۶، ج ۱، ص ۲۰۶؛ ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۵۷؛ نیز ع قمی، ج ۲، ص ۲۹۷). همچنین حروف مقطعه ابتدای سورة مریم (کهیص) در اشاره به واقعه کربلا تأویل شده است که خداوند پس از آنکه اسامی پنج تن را به زکریای نبی آموخت، رمزش را برای وی آشکار کرد (قمی، ج ۲، ص ۴۸؛ ابن بابویه، ۱۳۶۳ ش ۳، ج ۲، ص ۴۶۱؛ همو، ۱۳۶۱ ش، ص ۲۲؛ دلائل الامامة، ص ۵۱۳-۵۱۴؛ احمد بن علی طبرسی، ج ۲، ص ۲۷۲-۲۷۳؛ ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۹۲؛ فضل بن حسن طبرسی، ۱۴۰۸، ذیل آیه). گفته شده است زکریا وقتی از ماجرای شهادت امام حسین علیه السلام آگاه شد از خداوند خواست تا فرزندش را به وی عطا کند که سرنوشتی مشابه حسین داشته باشد و خداوند یحیی را به او داد که مدت حملش

شش ماه بود و همچون حسین به شهادت رسید (ابن بابویه، ۱۳۶۳ ش ۳؛ دلائل الامامة؛ احمد بن علی طبرسی؛ ابن شهر آشوب، همانجاها). همچنین آیات ۶ سورة احزاب (ع کلینی، ج ۱، ص ۲۸۷-۲۸۸؛ ابن بابویه، ۱۳۶۳ ش ۳، ج ۱، ص ۳۲۳، ج ۲، ص ۴۱۴؛ ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۵۴؛ نیز ع عیاشی، ج ۱، ص ۲۵۱، ج ۲، ص ۷۲) و ۲۸ سورة زخرف (ابن بابویه، ۱۳۸۵-۱۳۸۶، ج ۱، ص ۲۰۷؛ همو، ۱۳۶۳ ش ۳، ج ۱، ص ۳۲۳، ج ۲، ص ۳۵۹، ۴۱۵، ۴۱۷؛ ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۵۳-۵۴؛ نیز ع فضل بن حسن طبرسی، ۱۴۰۸؛ طباطبائی، ذیل آیه) در اشاره به تداوم امامت از نسل امام حسین علیه السلام تفسیر شده‌اند. برخی از آیات قرآن نیز ناظر به قیام و شهادت آن حضرت دانسته شده‌اند، از جمله آیه ۷۷ سورة نساء (ع کلینی، ج ۸، ص ۳۳۰؛ نیز ع عیاشی، ج ۱، ص ۲۵۸، ج ۲، ص ۲۳۵)، آیه ۳۳ سورة اسراء (کلینی، ج ۸، ص ۲۵۵؛ ابن قولویه، ص ۱۳۵؛ نیز ع عیاشی، ج ۲، ص ۲۹۰؛ کوفی، ص ۲۴۰) و آیات ۲۷ تا ۳۰ سورة فجر (قمی، ج ۲، ص ۴۲۲؛ مجلسی، ج ۲۴، ص ۹۳؛ نیز ع ابن بابویه، ۱۳۶۸ ش، ص ۱۲۳؛ فضل بن حسن طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۱۰، ص ۷۳۰؛ که سورة فجر سورة امام حسین علیه السلام شمرده شده است). برای زیارت امام حسین فضیلت‌های بسیاری ذکر شده و در احادیث منقول از پیامبر و امامان شیعه بر آن تأکید بسیار گردیده است (برای روایات فضیلت زیارت امام حسین و زیارت‌نامه‌های آن حضرت ع علوی سحری، ص ۲۸-۹۴؛ ابن قولویه، ص ۲۲۰، ۴۳۹؛ طوسی، ۱۴۰۱، ج ۶، ص ۴۲-۶۹)، همچنانکه برای تربت آن حضرت فضائل بسیاری یاد کرده‌اند (ع تربت^۶).

سخنران امام. از امام حسین علیه السلام سخنان زیادی بر جای نمانده، که مهم‌ترین علت آن، وضع خاص جهان اسلام در آن دوره و تنگناهای شدیدی بوده که نظام حاکم اموی، هم برای عترت پیامبر و هم برای شیعیانشان، ایجاد می‌کرده است. به جز خطبه‌ها و سخنان امام در ماجرای قیام عاشورا (برای مجموعه‌ای از این اقوال ع روائع الحکمة، ص ۲۷۲-۳۱۱؛ نجمی، ۱۳۷۸ ش)، برخی سخنان پراکنده از آن حضرت در متون کهن اهل سنت و شیعه هست، از جمله سخنان حکمت‌آمیزی از امام درباره اصناف خلق (ع ابن سعد، ج ۶، ص ۴۱۲؛ برای فهرستی از سخنان حکیمانه و مواعظ منقول از امام ع عطاردی قوچانی، ج ۳، ص ۱۴۳-۱۵۲، ۲۶۲-۳۱۱). همچنین است سخن مشهور آن حضرت در تأکید بر آزادی، خطاب به سپاه اموی هنگامی که قصد حمله به خیام امام را داشتند و آن حضرت توان مقابله نداشت، با این مضمون که اگر دین ندارید، دست کم آزاده باشید (برای نقل‌های گوناگون آن ع دینوری، ص ۳۰۰؛ ابن اعثم کوفی، ج ۵، ص ۱۱۷؛ طبری، ج ۵، ص ۴۵۰؛

روزگار به زبان آورده است (سے طبری، ج ۵، ص ۴۲۰؛ برای مجموعه اشعار منتسب به امام سے حکمت نامه امام حسین علیه السلام، ج ۲، ص ۳۳۸-۴۲۰؛ همچنین برای تحلیل کلی از اشعار امام و مضامین آنها سے همان، ج ۲، ص ۳۳۰-۳۳۶).

امام حسین از راویان سخنان پیامبر و پدرش امام علی بن ابی طالب علیه السلام و مادرش فاطمه زهرا سلام الله علیها است که در مجموعه های حدیثی اهل سنت گردآمده است (سے ابن حنبل، ج ۱، ص ۲۰۱؛ دولابی، ص ۱۲۵-۱۳۳، ۱۳۷-۱۳۸؛ طبرانی، ج ۳، ص ۱۲۷-۱۳۶؛ مزی، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۶۵-۶۷؛ برای فهرستی از کسانی که امام از آنها روایت کرده است سے همو، ۱۴۲۲، ج ۶، ص ۳۹۷). از راویان امام، فرزندان آن حضرت، امام سجاد علیه السلام و دخترش فاطمه، بیشترین روایت را از او نقل کرده اند (سے دولابی، ص ۱۲۵-۱۳۱؛ نیز برای فهرست روایات این دو از امام حسین علیه السلام سے عطاردی قوچانی، ج ۳، ص ۲۸۲-۲۸۳، ۳۹۲-۳۹۳). بر مبنای استقصای عطاردی قوچانی (ج ۳، ص ۳۱۴-۴۱۸) شمار راویانی که از وی حدیث نقل کرده اند، افزون بر دویست و پنجاه تن اند (برای اسامی شماری از راویان امام در منابع کهن سے ابن حنبل، همانجا؛ دولابی، ص ۱۳۱-۱۳۵؛ طبرانی؛ مزی، ۱۴۲۲؛ همو، ۱۴۰۳، همانجاها). طوسی، برپایه مبنای خاص خود در کتاب رجال (ص ۹۹-۱۰۶)، نام قریب به صد تن را به عنوان اصحاب آن حضرت فهرست کرده است که برخی از آنان در شمار اصحاب رسول خدا، امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب و امام حسن علیهم السلام بوده و غالباً در کربلا وی را همراهی کرده و همانجا به شهادت رسیده اند.

سخنان امام حسین علیه السلام تاکنون در چند مجموعه منتشر شده، که از آن جمله است: موسوعة کلمات الامام الحسين علیه السلام (قم ۱۳۷۴ ش)، مسند الامام الشهيد ابی عبدالله الحسين بن علی علیهما السلام (تهران ۱۳۷۶ ش)، و حکمت نامه امام حسین علیه السلام (قم ۱۳۸۵ ش).

منابع: ابن ابی الثلج، تاریخ الائمة، در مجموعه نفیسة فی تاریخ الائمة، چاپ محمود مرعشی، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۶؛ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغة، چاپ محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره ۱۳۸۵-۱۳۸۷/۱۹۶۵-۱۹۶۷، چاپ افست بیروت [بی تا]؛ ابن ابی الدنیا، مکارم الاخلاق، چاپ مجدی سید ابراهیم، بولاق [بی تا]؛ ابن ابی زینب، الغیبة، چاپ فارس حنون کریم، قم ۱۴۲۲؛ ابن ابی شیبہ، المصنف فی الاحادیث و الآثار، چاپ سعید محمد لخام، بیروت ۱۴۰۹/۱۹۸۹؛ ابن اعثم کوفی، کتاب الفتح، چاپ علی شیری، بیروت ۱۴۱۱/۱۹۹۱؛ همان، ترجمه محمد بن احمد مستوفی هروی، چاپ غلامرضا طباطبائی مجد، تهران ۱۳۷۲ ش؛ ابن بابویه، الامالی، قم ۱۴۱۷؛ همو، التوحید، چاپ هاشم حسینی طهرانی، قم [۱۳۵۷ ش]؛ همو،

ابوالفرج اصفهانی، ص ۷۹؛ ابن طاووس، ۱۴۱۷، ص ۷۱). برخی از دعاهاى امام حسین علیه السلام در منابع کهن نقل شده است (برای نمونه سے ابن سعد، ج ۶، ص ۴۱۳؛ ابن ابی شیبہ، ج ۲، ص ۲۰۰، ج ۷، ص ۱۱۳؛ حمیری، ص ۱۵۷-۱۵۸). از مشهورترین آنها، دعای عرفه است که متنی طولانی دارد و از ادعیه مشهور شیعه به شمار می رود و مضامین عرفانی بلندی در آن دیده می شود (سے ابن طاووس، ۱۴۱۴-۱۴۱۵، ج ۲، ص ۷۴-۸۷؛ نیز سے حکمت نامه امام حسین علیه السلام، ج ۱، ص ۵۰۸-۵۴۷؛ برای مجموعه ای از دعاهاى مروی از امام حسین سے همان، ج ۱، ص ۴۸۶-۵۹۲).

روایاتی از امام در موضوعات اعتقادی، غالباً در منابع شیعی، نقل شده است، از جمله درباره توحید (سے ابن بابویه، ۱۳۸۵-۱۳۸۶، ج ۱، ص ۹؛ ابن شعبه، ص ۲۴۴-۲۴۵؛ ابن عساکر، ج ۱۴، ص ۱۸۳-۱۸۴)، امامت (صفار قمی، ص ۳۲؛ کلینی، ج ۱، ص ۳۹۸-۳۹۹)، مناقب اهل بیت (برقی، ج ۱، ص ۶۱؛ صفار قمی، ص ۴۷۲؛ طوسی، ۱۴۱۴، ص ۲۵۳-۲۵۴؛ احمد بن علی طبرسی، ج ۲، ص ۲۲-۲۳)، غیبت (ابن ابی زینب، ص ۲۱۳؛ ابن بابویه، ۱۳۶۳ ش، ج ۳، ص ۲۶۴-۲۶۹، ۳۱۶-۳۱۸؛ طوسی، ۱۴۱۱، ص ۱۹۰-۱۹۱)، ویژگیهای شیعه (برقی، ج ۱، ص ۱۴۷، ۱۶۳-۱۶۴؛ عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۵) و صفات مؤمن (ابن بابویه، ۱۴۱۷، ص ۲۰۰؛ مجلسی، ج ۷۱، ص ۳۱۵). پاره ای مناظرات و احتجاجات نیز از آن حضرت نقل شده که مشتمل بر اثبات حقانیت و فضائل اهل بیت علیهم السلام است (سے احمد بن علی طبرسی، ج ۲، ص ۱۳-۲۶). روایاتی نیز درباره فضائل قرآن (سے کلینی، ج ۲، ص ۶۱۱-۶۱۳) و تفسیر پاره ای آیات در شأن اهل بیت (سے عیاشی، ج ۲، ص ۳۳۷-۳۳۸؛ کلینی، ج ۸، ص ۲۴۴-۲۴۵؛ ابن بابویه، ۱۳۶۲ ش، ج ۱، ص ۴۲-۴۳؛ همو، ۱۳۵۷ ش، ص ۹۰-۹۱؛ حکانی، ج ۱، ص ۵۶۰) از آن حضرت وارد شده است.

از امام حسین علیه السلام، روایاتی در برخی ابواب فقه نیز نقل شده است (برای نمونه سے صنعانی، ج ۳، ص ۵۳۲-۵۳۳، ج ۴، ص ۲۱۴؛ ابن ابی شیبہ، ج ۱، ص ۳۵۵، ج ۲، ص ۲۰۰، ج ۷، ص ۳۸۸، ۶۱۹؛ عطاردی قوچانی، ج ۳، ص ۲۲۰-۲۶۰). در موضوعات اخلاقی نیز احادیثی از امام حسین علیه السلام نقل کرده اند (برای نمونه سے ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۸۱؛ بهاء الدین ارپلی، ج ۲، ص ۴۷۴).

اشعاری نیز به امام منسوب است که معروفترین آنها ابیاتی است که امام درباره محبت خود به دخترش سکینه و مادر سکینه، رباب، سروده است (سے ابن سعد، ج ۶، ص ۴۰۰؛ ابن قتیبہ، ۱۹۶۰، ص ۲۱۳؛ بلاذری، ۱۹۹۶-۲۰۰۰، ج ۲، ص ۱۴۰). همچنین شعری است که امام در آخرین روزها در بی وفایی

نواب الاعمال و عقاب الاعمال، قم ١٣٦٨ ش؛ همو، علل الشرايع، نجف ١٣٨٥-١٣٨٦، چاپ افست قم [بی.تا.]. همو، عیون اخبار الرضا، چاپ مهدی لاجوردی، قم ١٣٦٣ ش؛ همو، کتاب النخصال، چاپ علی اکبر غفاری، قم ١٣٦٢ ش؛ همو، کمال الدین و تمام النعمة، چاپ علی اکبر غفاری، قم ١٣٦٣ ش؛ همو، معانی الاخبار، چاپ علی اکبر غفاری، قم ١٣٦١ ش؛ ابن حزم، المحلی، چاپ احمد محمد شاکر، بیروت؛ دارالفکر، [بی.تا.]. ابن حنبل، مسند الامام احمد بن حنبل، بیروت؛ دارصادر، [بی.تا.]. ابن سعد؛ ابن شیه نمیری، کتاب تاریخ المدینة المنورة: اخبار المدينة النبوية، چاپ فہیم محمد شلتوت، [جدہ] ١٣٩٩/١٩٧٩، چاپ افست قم ١٣٦٨ ش؛ ابن شعبہ، تحف العقول عن آل الرسول صلی اللہ علیہم، چاپ علی اکبر غفاری، قم ١٣٦٣ ش؛ ابن شہر آشوب، مناقب آل ابی طالب، چاپ یوسف بقاعی، قم ١٣٨٥ ش؛ ابن طاووس، اقبال الاعمال، چاپ جواد قیومی اصفہانی، قم ١٤١٤-١٤١٥؛ همو، مقتل الحسین علیہ السلام، المسمی باللہوف فی قتلی الطفوف، قم [١٤١٧]؛ ابن طلحة شافعی، مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول، چاپ ماجدین احمد عطیہ، [بی.جا، بی.تا.]. ابن عبد البر، الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، چاپ علی محمد بجای، بیروت ١٤١٢/١٩٩٢؛ ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، چاپ علی شیری، بیروت ١٤١٥-١٤٢١/١٩٩٥-٢٠٠١؛ ابن قتیبة، الامامة و السياسة، المعروف بتاريخ الخلفاء، چاپ علی شیری، بیروت ١٤١٠/١٩٩٠؛ همو، المعارف، چاپ ثروت عکاشہ، قاہرہ ١٩٦٠؛ ابن قولیہ، کامل الزیارات، چاپ جواد قیومی اصفہانی، قم ١٤١٧؛ ابن ماجہ، سنن ابن ماجہ، چاپ محمد فؤاد عبدالباقی، [قاہرہ ١٣٧٣/١٩٥٤]، چاپ افست [بیروت، بی.تا.]. ابوالفرج اصفہانی، مقاتل الطالبیین، چاپ کاظم مظفر، نجف ١٣٨٥/١٩٦٥، چاپ افست قم ١٤٠٥؛ عبدالحسین امینی، سیرت و سنتنا: سیرة نبینا صلی اللہ علیہ وآلہ و ستہ، بیروت ١٤١٢/١٩٩٢؛ عبد اللہ بن نور اللہ بحرانی، عوالم العلوم و المعارف و الاحوال من الآیات و الاخبار و الاقوال، ج ١٧، قم ١٣٨٢ ش؛ ہاشم بن سلیمان بحرانی، مدینة المعاجز، او، معاجز اهل البيت (ع)، چاپ علاء الدین اعلمی، [قم] ١٤٢٦/٢٠٠٥؛ محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح بخاری، [چاپ محمد ذہنی افندی]، استانبول ١٤٠١/١٩٨١، چاپ افست بیروت [بی.تا.]. احمد بن محمد برقی، کتاب المحاسن، چاپ جلال الدین محدث ارموی، تہران ١٣٣٠ ش؛ احمد بن یحیی بلاذری، انساب الاشراف، چاپ محمود فردوس العظم، دمشق ١٩٩٦-٢٠٠٠؛ همو، فتوح البلدان، چاپ عبد اللہ انیس طباغ و عمر انیس طباغ، بیروت ١٤٠٧/١٩٨٧؛ علی بن عیسیٰ بہاء الدین اربلی، کشف الغمہ فی معرفة الانمة علیہم السلام، چاپ علی فاضلی، [قم] ١٤٢٦؛ محمد بن عیسیٰ ترمذی، سنن الترمذی، ج ٣ و ٥، چاپ عبدالرحمان محمد عثمان، بیروت ١٤٠٣؛ جنید بن محمود جند شیرازی، شد الازار فی حط الاوزار عن زوار المزار، چاپ محمد قزوینی و عباس اقبال آشتیانی، تہران ١٣٦٦ ش؛ محمد بن عبد اللہ حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، چاپ یوسف عبدالرحمان مرعشی، بیروت ١٤٠٦؛ حر عاملی؛ عیبد اللہ بن عبد اللہ حسکانی، شواہد التنزیل لقواعد التفضیل، چاپ محمد باقر محمودی، تہران ١٤١١/١٩٩٠؛ حکمت نامہ امام حسین علیہ السلام، [گردآوری]

محمد محمدی ری شہری، [همراه] ترجمہ عبدالہادی مسعودی، قم؛ دارالحديث، ١٣٨٥ ش؛ عبد اللہ بن جعفر جعفری، قریب الاسناد، قم ١٤١٣؛ علی بن محمد خزاز رازی، کفایة الاثر فی النص علی الانمة الاثنی عشر، چاپ عبداللطیف حسینی کوه کمری خونئی، قم ١٤٠١؛ حسین بن حمدان خصیی، الهدایة الکبری، بیروت ١٣٨٦/١٩٨٦؛ دلائل الامامة، [منسوب بہ] محمد بن جریر طبری آملی، قم؛ مؤسسة البعثة، ١٤١٣؛ محمد بن احمد دولابی، الذریة الطاهرة، چاپ محمد جواد حسینی جلالی، قم ١٤٠٧؛ احمد بن داوود دینوری، الاخبار الطوال، چاپ عبدالمعتم عامر، قاہرہ ١٩٦٠، چاپ افست قم ١٣٦٨ ش؛ روائع الحکمة: بلاغة الامامین الحسن و الحسین (ع)، [اعداد] مصطفی محسن موسوی، محسن شرارہ عاملی، و مهدی عطی بصری، بیروت؛ دارالصفوة، ١٤٢٤/٢٠٠٤؛ مسجودین آدم سنلی، حدیقة الحقیقة و شریعة الطریقة، چاپ مدرس رضوی، تہران ١٣٥٩ ش؛ محمد بن حسن صفار قمی، بصائر الدرجات الکبری فی فضائل آل محمد (ع)، چاپ محسن کوجه باغی تبریزی، تہران ١٣٦٢ ش؛ عبدالرزاق بن ہمام صنعانی، المصنّف، چاپ حبیب الرحمن اعظمی، بیروت ١٤٠٣/١٩٨٣؛ طباطبائی؛ سلیمان بن احمد طبرانی، المعجم الکبیر، چاپ حمدی عبدالمجید سلفی، چاپ افست بیروت ١٤٠٤-١٤٠؟؛ احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج، چاپ محمد باقر موسوی خراسان، نجف ١٣٨٦/١٩٦٦، چاپ افست قم [بی.تا.]. فضل بن حسن طبرسی، اعلام الوری باعلام الهدی، قم ١٤١٧؛ همو، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ ہاشم رسولی محلاتی و فضل اللہ یزدی طباطبائی، بیروت ١٣٨٨/١٩٨٨؛ طبری، تاریخ (بیروت)؛ محمد بن حسن طوسی، الامالی، قم ١٤١٤؛ همو، تهذیب الاحکام، چاپ حسن موسوی خراسان، بیروت ١٤٠١/١٩٨١؛ همو، رجال الطوسی، چاپ جواد قیومی اصفہانی، قم ١٤١٥؛ همو، کتاب الغیبة، چاپ عبد اللہ طہرانی و علی احمد ناصح، قم ١٤١١؛ عزیر اللہ عطاردی قوچانی، مسند الامام الشہید ابی عبد اللہ الحسین بن علی علیہما السلام، [تہران] ١٣٧٦ ش؛ محمد بن علی علوی شجری، فضل زیارة الحسین (علیہ السلام)، چاپ احمد حسینی، قم ١٤٠٣؛ علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، نهج البلاغة، چاپ صبحی صالح، بیروت ١٣٨٧/١٩٦٧، چاپ افست قم [بی.تا.]. محمد بن مسعود عیاشی، کتاب التفسیر، چاپ ہاشم رسولی محلاتی، قم ١٣٨٠-١٣٨١، چاپ افست تہران [بی.تا.]. نعمان بن محمد قاضی نعمان، دعائم الاسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضاء و الاحکام، چاپ آصف بن علی اصغر فیضی، قاہرہ [١٩٦٣-١٩٦٥]، چاپ افست [قم، بی.تا.]. باقر شریف قرشی، حیاة الامام الحسن بن علی، بیروت ١٤١٣/١٩٩٣؛ سعید بن ہبة اللہ قطب راوندی، الخرائج و الجرائع، قم ١٤٠٩؛ علی بن ابراہیم قمی، تفسیر القمی، چاپ طیب موسوی جزائری، نجف ١٣٨٧، چاپ افست قم [بی.تا.]. کلینی؛ فرائد ابن ابراہیم کوفی، تفسیر فرائد الکوفی، چاپ محمد کاظم محمودی، تہران ١٤١٠/١٩٩٠؛ مجد خوافی، روضہ خلد، چاپ حسین خدیو جم، تہران ١٣٤٥ ش؛ مجلسی؛ یوسف بن عبد الرحمان میزی، تحفة الاشراف بمعرفة الاطراف، چاپ عبد الصمد شرف الدین و زہیر شوش، بیروت ١٤٠٣/١٩٨٣؛ همو، تهذیب الکمال فی اسماء الرجال، چاپ بشار عواد معروف، بیروت ١٤٢٢/٢٠٠٢؛ مسعودی، تنبیہ؛

(۲) شهریانو. نام او در منابع سنیّه، غزاله و سُلَافه و شاه زنان نیز آمده است (← شهریانو^۵). امام سجاد علیه السلام فرزند اوست. (۳) لیلی دختر ابی مُرّة بن عروقه بن مسعود ثقفی. در بیشتر منابع نام او به همین گونه آمده است (← مصعب بن عبدالله، ص ۵۷؛ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۴۶-۲۴۷؛ طبری، ج ۵، ص ۴۴۶، ۴۶۸؛ قس ابن قتیبّه، همانجا: لیلی بنت مُرّة، قاضی نعمان، ج ۳، جزء ۱۲، ص ۱۵۲؛ اُمّ لیلی بنت مُرّة). مصعب بن عبدالله (همانجا) نسب کامل او و مادرش را آورده است. جد لیلی، عروقه بن مسعود ثقفی، صحابی رسول خدا و مادرش، میمونه، دختر ابوسفیان بود (همان، ص ۵۷ و پانویس ۲). از تاریخ ازدواج امام حسین علیه السلام با او اطلاعی در دست نیست. فقط می دانیم که علی بن حسین، فرزند او بود.

(۴) امّ اسحاق دختر طلحة. پدرش، طلحة بن عبیدالله، از اصحاب مشهور رسول خدا و مادرش جُرباء دختر قسامه بن حنظلة بود (ابن سعد، ج ۳، ص ۲۱۴؛ مصعب بن عبدالله، ص ۲۸۲). امّ اسحاق نخست با امام حسن مجتبی علیه السلام ازدواج کرد (ابن سعد؛ مصعب بن عبدالله، همانجاها؛ ابن قتیبّه، ص ۲۳۳). امام حسن پیش از شهادت، به برادرش حسین سفارش کرده بود که با این بانو ازدواج کند (ابوالفرج اصفهانی، ۱۳۸۳، ج ۲۱، ص ۱۱۴؛ نیز ← ابن سعد، همانجا؛ ابن حبیب، ص ۶۶). حاصل این ازدواج دختری به نام فاطمه بود (ابن سعد؛ ابن قتیبّه؛ ابوالفرج اصفهانی، ۱۳۸۳، همانجاها). ام اسحاق پس از شهادت امام حسین با عبدالله بن عبدالرحمان بن ابی بکر ازدواج کرد (ابن حبیب، همانجا).

(۵) برخی منابع زنی از قبیله قُضاعة را نیز در شمار همسران امام نام برده اند که برای امام پسری به نام جعفر به دنیا آورد (← مصعب بن عبدالله، ص ۵۹؛ مفید، ج ۲، ص ۱۳۵؛ بیهقی، ج ۱، ص ۳۴۹؛ ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۷۷، ۱۱۳). سبط ابن جوزی (ص ۲۴۹) نام او را سُلَافه و بیهقی (همانجا) ملومه ذکر کرده اند. از جزئیات زندگی وی اطلاعی در دست نیست.

(ب) فرزندان:

منابع متقدم (برای نمونه ← مصعب بن عبدالله، ص ۵۷-۵۹؛ بخاری، ص ۳۰؛ مفید، همانجا) فرزندان امام را چهار پسر و دو دختر و منابع متأخر (برای نمونه ← دلائل الامامة، ص ۷۴؛ ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۷۷؛ ابن طلحة شافعی، ج ۲، ص ۶۹) شش پسر و سه دختر نوشته اند:

(۱) علی اکبر، پسر بزرگ امام حسین، فرزند لیلی (← علی بن حسین^۶).

(۲) علی اصغر، امام چهارم شیعیان، معروف به زین العابدین و سجاد، فرزند شهریانو (← السجاد^۷، امام).

(۳) عبدالله، فرزند خردسال امام. مادرش زیاب بود. تاریخ

همو، مروج (بیروت)؛ مسلم بن حجاج، الجامع الصحیح، بیروت؛ دارالفکر، [بی تا]؛ محمد بن محمد مفید، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، بیروت ۱۴۱۴/۱۹۹۳؛ ناصر خسرو، سفرنامه ناصر خسرو قبادیانی مروزی، چاپ محمد دبیرسیاقی، تهران ۱۳۷۳ ش؛ یحیی بن حسین ناطق بالحق، الافاده فی تاریخ الائمة السادة، چاپ محمدکاظم رحمتی، تهران ۱۳۸۷ ش؛ محمدصادق نجمی، سخنان حسین بن علی (ع) از مدینه تا کربلا، قم ۱۳۷۸ ش؛ نصرین مزاحم، وقعة صفین، چاپ عبدالسلام محمد هارون، قاهره ۱۳۸۲، چاپ انت قم ۱۴۰۴؛ نعیم بن حماد، کتاب الفتن، چاپ سهیل زکار، [بیروت] ۱۴۱۴/۱۹۹۳؛ یعقوبی، تاریخ.

/ سید محمد عمادی حائری /

زنان و فرزندان. در منابع تاریخی و رجالی معتبر، برای حسین بن علی، پنج همسر و شش فرزند نام برده شده است. (الف) همسران:

(۱) زیاب دختر امرئ القیس. ابن سعد (ج ۸، ص ۴۷۵) نسب کامل او را آورده است. پدرش، امرئ القیس، نصرانی بود که در زمان خلافت عمر اسلام آورد و حضرت علی علیه السلام از دختر او برای امام حسین علیه السلام خواستگاری کرد (بلاذری، ج ۲، ص ۱۳۹؛ ابوالفرج اصفهانی، ۱۳۸۳، ج ۱۶، ص ۱۳۹-۱۴۱؛ ابن حزم، ص ۴۵۷). حاصل این ازدواج پسری به نام عبدالله و دختری به نام سُکینه بود (مُصْعَب بن عبدالله، ص ۵۹؛ ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۰۵، ص ۵۹؛ مفید، ج ۲، ص ۱۳۵).

زیاب از جمله زنان برگزیده و ممتاز بود (ابوالفرج اصفهانی، ۱۳۸۳، ج ۱۶، ص ۱۴۱) و نزد امام حسین علیه السلام قدر و منزلت بسیاری داشت (ذهنی، ج ۱، ص ۱۴۱-۱۴۲) تا جایی که بنابر برخی منابع، آن حضرت در شعری علاقه عمیق خود را به او و دخترش سُکینه ابراز کرد (← مصعب بن عبدالله، همانجا؛ ابن حبیب، ص ۳۹۶-۳۹۷؛ ابن قتیبّه، ص ۲۱۳؛ ابوالفرج اصفهانی، ۱۳۸۳، ج ۱۶، ص ۱۳۹).

زیاب در کربلا حضور داشته است، زیرا فرزندش عبدالله، که در کربلا شهید شد، کودکی شیرخوار بود (← ادامه مقاله). به علاوه، طبق یک گزارش، امام حسین علیه السلام قبل از رفتن به میدان جنگ، تک تک اعضای خانواده اش را به نام صدا زد و با عبارت یا زیاب از وی نیز یاد کرد (ابن طاووس، ص ۵۰).

ابوالفرج اصفهانی (۱۳۸۳، ج ۱۶، ص ۱۴۲) شعری از او در رثای امام حسین علیه السلام آورده است. بعد از شهادت امام، عده ای از بزرگان و اشراف از او خواستگاری کردند، اما او نپذیرفت (← ابن حبیب، همانجا؛ ابن عساکر، ج ۶۹، ص ۱۲۰). وی در سال ۶۲ درگذشت (سبط ابن جوزی، ص ۲۳۸؛ ابن کثیر، ج ۸، ص ۲۲۹).

تولد وی مشخص نیست، ولی بیشتر منابع او را به هنگام شهادت، صغیر و شیرخوار دانسته‌اند (صعبد بن عبدالله، ص ۵۹؛ بلاذری، ج ۲، ص ۴۹۸؛ طبری، ج ۵، ص ۴۴۸، ۴۶۸؛ بخاری، همانجا). در منابع متقدم سنی و شیعه نام او عبدالله یاد شده، ولی در منابع متأخر شیعی به علی اصغر شهرت یافته است. مقتل الحسین اخطب خوارزم (ج ۲، ص ۳۷) و مناقب آل ابی طالب ابن شهر آشوب (ج ۴، ص ۱۰۹)، قدیم‌ترین منابعی هستند که هنگام ذکر کیفیت شهادت فرزند خردسال امام، از او با نام علی یاد کرده‌اند. منابع بعدی نیز، به تبع ایشان، نام طفل شهید را علی اصغر - و غالباً لقب امام سجاد علیه السلام را علی اوسط - آورده‌اند (برای نمونه ص بهاء الدین اربلی، ج ۲، ص ۲۵۰؛ ابن طقطقی، ص ۱۴۳؛ ابن صباغ، ص ۱۹۶؛ شبرای شافعی، ص ۱۳۰). این در حالی است که در این منابع در ضمن ذکر فرزندان امام حسین علیه السلام، نام عبدالله را نیز بر شمرده‌اند ولی به کیفیت شهادت او اشاره‌ای نکرده‌اند (برای نمونه ص ابن شهر آشوب؛ ابن طلحه شافعی؛ بهاء الدین اربلی؛ ابن صباغ، همانجا). این موضوع از اختلاف منابع متقدم و متأخر در شمارش فرزندان امام حسین علیه السلام که علی نام داشته‌اند، نشئت گرفته است (صعبد بن عبدالله؛ بخاری؛ مفید، همانجا؛ قس دلائل الامامة؛ ابن شهر آشوب؛ ابن طلحه شافعی؛ بهاء الدین اربلی، همانجا). به روایت کلینی (ج ۶، ص ۱۹) امام حسین در واکنش به اعتراض مروان که چرا حسین بن علی دو تن از فرزندان را علی نامیده است، اظهار کرد که حتی اگر صد پسر نیز داشته باشد دوست می‌دارد همه آنها را علی بنامد.

امام حسین علیه السلام در آخرین لحظات، پیش از آنکه به میدان جنگ برود، عبدالله تیر زد و او را به شهادت رساند (طبری، ج ۵، ص ۴۴۸؛ مفید، ج ۲، ص ۱۰۸؛ اخطب خوارزم، همانجا). نام پرتاب‌کننده تیر حرمه بن کاهل ذکر شده است (بلاذری؛ مفید؛ اخطب خوارزم، همانجا؛ قس طبری، ج ۵، ص ۴۶۸؛ هانی بن ثبیت حَضَرَمی). امام گودالی با شمشیر خود حفر کرد و کودک را به خاک سپرد (اخطب خوارزم، همانجا).

۴) جعفر، مادرش زنی از قبیله قضاعه بود. وی در زمان حیات امام از دنیا رفت و نسلی از او باقی نماند (صعبد بن عبدالله، همانجا؛ مفید، ج ۲، ص ۱۳۵؛ ابن شهر آشوب، همانجا). ۵) فاطمه، دختر بزرگ امام (ابن سعد، ج ۳، ص ۲۱۴؛ صعبد بن عبدالله، همانجا؛ ابن حبیب، ص ۴۰۴). مادرش ام اسحاق بود. تاریخ دقیق تولد فاطمه مشخص نیست، ولی چون مادرش بعد از شهادت امام حسن (۴۹ یا ۵۰) به همسری امام حسین درآمد، تولد وی بعد از این سال بوده است.

وی بانویی پرهیزکار و سخنور بود و گفته‌اند سیمایش به

جده‌اش، فاطمه، دختر رسول خدا، شبیه بوده است (ص بخاری، ص ۶؛ ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۰۵، ص ۱۲۲؛ مفید، ج ۲، ص ۲۵). بنابر حدیثی از امام باقر علیه السلام، امام حسین علیه السلام قبل از شهادت، ودایع امامت و وصایای مکتوب خود را به فاطمه سپرد و او بعداً آنها را به امام سجاد تحویل داد (صَفَّار قمی، ص ۱۸۲-۱۸۳؛ کلینی، ج ۱، ص ۳۰۳).

فاطمه از زنان تابعی و از رویان حدیث بوده و از پدرش و عبدالله بن عباس و اسماء بنت عُمَیس، روایت کرده است (ص ابن عساکر، ج ۷۰، ص ۱۰؛ مزی، ج ۳۵، ص ۲۵۴-۲۵۵).

فاطمه نخست با حسن مُثنی (ابی طالب) ازدواج کرد (ص ابن سعد، ج ۸، ص ۴۷۳؛ بخاری، همانجا). او در کربلا حضور داشت و به همراه دیگر اعضای خاندان امام حسین، به اسارت به شام برده شد (ص مفید، ج ۲، ص ۱۲۱). میان او و یزید در دربار سخنانی رد و بدل گردید (ص طبری، ج ۵، ص ۴۶۴؛ قاضی نعمان، ج ۳، جزء ۱۳، ص ۲۶۸). احمد بن علی طبرسی (ج ۲، ص ۲۷-۲۹) احتجاج او با اهل کوفه را آورده است.

فاطمه پس از درگذشت شوهرش، حسن مثنی، با عبدالله بن عمرو بن عثمان بن عفان ازدواج کرد (ابن سعد؛ ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۰۵، همانجا). پس از مرگ عبدالله، والی مدینه عبدالرحمان بن ضحاک از او خواستگاری کرد که نپذیرفت (ص ابن سعد، ج ۸، ص ۴۷۴). ابن جَبَّان (ج ۵، ص ۳۰۱)، بدون اشاره به تاریخ دقیق، از وفات او در حدود نودسالگی سخن گفته است. ابن عساکر (ج ۷۰، ص ۱۷) نیز خبری از درگذشت وی در زمان خلافت هشام بن عبدالملک را آورده است.

۶) سَکینه، دختر کوچک امام حسین، فرزند زَباب (ص سَکینه بنت حسین ۵).

به جز این شش فرزند، نام دو پسر و یک دختر دیگر در منابع متأخر دیده می‌شود که عبارت‌اند از: علی اصغر، محمد و زینب (ص دلائل الامامة، ص ۷۴؛ ابن شهر آشوب، همانجا). ابن طلحه شافعی (ج ۲، ص ۶۹) نیز تعداد فرزندان امام را ده تن شمرده ولی فقط از نه تن نام برده است. در کتابهای تاریخی از جزئیات زندگی ایشان گزارشی در دست نیست. همچنین در برخی کتابهای تذکره و مرآئی متأخر، از دختر چهار ساله امام حسین به نام رقیه سخن به میان آمده است (ص کاشفی، ص ۳۸۹-۳۹۰؛ امین، ج ۷، ص ۳۴؛ نیز ص رقیه بنت حسین ۵).

منابع: ابن جَبَّان، کتاب الشقات، حیدرآباد، دکن ۱۳۹۳-۱۴۰۳/ ۱۹۷۳-۱۹۸۳، چاپ انست بیروت [بی تا]؛ ابن حبیب، کتاب الْمُحَرِّیر، چاپ الیزه لیشتن اشتر، حیدرآباد، دکن ۱۳۶۱/۱۴۴۲، چاپ بیروت [بی تا]؛ ابن حزم، جمهرة انساب العرب، چاپ عبدالسلام محمد هارون، قاهره [۱۹۸۲]؛ ابن سعد؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، چاپ هاشم رسولی محلاتی، قم [بی تا]؛ ابن صباغ، الفصول المهمة فی معرفة

ج ۸، ص ۱۸۵). در کتاب الضعفاء ابن جوزی (ج ۱، ص ۲۱۶) باجدایی به اشتباه باحدالی، و در دیوان الضعفاء ذهبی (۱۴۰۸، ج ۱، ص ۲۰۴) باحرانی ثبت شده است.

مشایخ وی در حدیث عبارت‌اند از: جعفر بن بُرقان، خدیج بن معاویه، حرام بن عثمان، زُهیر بن معاویه و ابی‌أمیه عبدالله بن ابی‌زینب رقی مشهور به ابن عجز. برخی محدثان نیز از وی حدیث نقل کرده‌اند، از جمله هلال بن علاء رقی، عبدالحمید بن محمد بن مُستام حرانی و محمد بن قاسم حرانی (ابن ابی حاتم، ج ۳، ص ۶۲؛ ابن حبان؛ مزّی، همانجا).

محدثان و عالمان رجال، حسین بن عیاش را ثقة دانسته‌اند (برای نمونه ← ابن حبان؛ مزّی، همانجا؛ ذهبی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۲۳۳)، اما ذهبی (۱۹۶۳-۱۹۶۴، ج ۱، ص ۵۴۵) رأی برخی عالمان رجال را نقل کرده است که وی را «لین الحدیث» خوانده‌اند، که بر مرتبه‌ای از مراتب جرح و تضعیف دلالت دارد. ذهبی (همانجا) این قول را بی‌پایه دانسته است. به نظر می‌رسد اساس این جرح روایتی است که فقط حسین بن عیاش از جعفر بن برقان نقل کرده است (→ ذهبی، ۱۴۰۸، همانجا). البته در جوامع حدیثی اهل سنت، این حدیث (برای نمونه ← ابن ماجه، ج ۱، ص ۶۰۵؛ ترمذی، ج ۲، ص ۲۸۰-۲۸۳؛ طبرانی، ج ۱۱، ص ۱۱۵) به طرق گوناگونی نقل شده و در هیچ‌یک از آنها نامی از حسین عیاش برده نشده است. به گفته ابن ندیم (ص ۹۶) و خطیب بغدادی (→ مزّی، ج ۶، ص ۴۶۰)، حسین بن عیاش سلمی کتابی با عنوان غریب الحدیث نوشته بوده که آن را ابوالقاسم حسین بن عبدالله بن مناذر واسطی از هلال بن علاء رقی روایت کرده است (ابن ندیم، همانجا).

حمد بن محمد خطّابی* (متوفی ۳۸۱) در مقدمه کتاب خود (ج ۱، ص ۴۸-۵۰)، با اشاره به دو کتاب ابوعبید قاسم بن سلام و ابن قتیبه در فن غریب الحدیث، به ذکر شماری از کتابهای نگاشته شده در این حوزه پرداخته و از جمله نام باجدایی را نیز ذکر کرده است. از سخنان خطّابی در می‌یابیم که کتاب غریب الحدیث باجدایی، بدون هیچ‌گونه ترتیبی یا اتخاذ روش معینی، تنها به ذکر و تفسیر احادیث غریب پرداخته است.

وی در سال ۲۰۴ در باجدا وفات یافت (ابن حبان؛ مزّی، همانجا).

منابع: ابن ابی حاتم، کتاب الجرح و التعديل، حیدرآباد، دکن ۱۳۷۱-۱۳۷۳/۱۹۵۲-۱۹۵۳، چاپ افت بیروت [بی‌تا]؛ ابن جوزی، کتاب الضعفاء و المستروکین، چاپ ابوالفداء عبدالله قاضی، بیروت ۱۴۰۶/۱۹۸۶، ابن حبان، کتاب الثقات، حیدرآباد، دکن ۱۳۹۳-۱۴۰۳/۱۹۷۳-۱۹۸۳، چاپ افت بیروت [بی‌تا]؛ ابن ماجه، سنن ابن ماجه، چاپ محمدنواز عبدالباقي، [قاهره ۱۳۷۳/۱۹۵۴]، چاپ افت [بیروت، بی‌تا]؛ ابن ندیم (تهران)؛ محمد بن عیسی ترمذی، سنن الترمذی، ج ۲،

احوال الاثمة علیهم السلام، بیروت ۱۴۰۸/۱۹۸۸؛ ابن طائوس، مقتل الحسين عليه السلام، المسمى باللّهوف في قتلى الطفوف، قم [۱۴۱۷]؛ ابن طقطقی، الاصلی فی انساب الطالبین، چاپ مهدی رجانی، قم ۱۳۷۶ ش؛ ابن طلحه شافعی، مطالب السؤل فی مناقب ال الرسول، چاپ ماجد بن احمد عطیه، بیروت ۱۴۰۲؛ ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، چاپ علی شیر، بیروت ۱۴۱۵-۱۴۲۱/۱۹۹۵-۲۰۰۱؛ ابن قتیبه، المعارف، چاپ ثروت عکاشه، قاهره ۱۹۶۰؛ ابن کثیر، البدایة و النهایة، چاپ علی شیر، بیروت ۱۴۰۸/۱۹۸۸؛ ابوالفرج اصفهانی، کتاب الاغانی، قاهره ۱۳۸۳، چاپ افت بیروت [بی‌تا]؛ همو، مقاتل الطالبین، چاپ کاظم مظفر، نجف ۱۳۸۵/۱۹۶۵، چاپ افت قم ۱۴۰۵؛ موفق بن احمد اخبط خوارزم، مقتل الحسين عليه السلام للخوارزمی، چاپ محمد ساری، [قم] ۱۳۸۱ ش؛ امین؛ ابونصر سهل بن عبدالله بخاری، سُر السلسلة العلویة، چاپ محمدصادق بحر العلوم، نجف ۱۳۸۱/۱۹۶۲؛ احمد بن یحیی بلاذری، انساب الاشراف، چاپ محمود فردوس العظم، دمشق ۱۹۹۶-۲۰۰۰؛ علی بن عیسی بهاءالدین ارطی، کشف الغمة فی معرفة الاثمة، چاپ هاشم رسولی محلاتی، بیروت ۱۴۰۱/۱۹۸۱؛ علی بن زید یهقی، لباب الانساب و الالقاب و الاعقاب، چاپ مهدی رجانی، قم ۱۴۱۰؛ دلایل الامامة، [منسوب به] محمد بن جریر طبری آملی، بیروت: مؤسسه الاعلی للمطبوعات، ۱۴۰۸/۱۹۸۸؛ محمد ذهبی، خیرات حسان، ترجمه محمد حسن اعتماد السلطنه، چاپ سنگی [تهران] ۱۳۰۴-۱۳۰۷؛ سبط ابن جوزی، تذکرة الخواص، بیروت ۱۴۰۱/۱۹۸۱؛ عبدالله بن محمد شیرازی شافعی، کتاب الانحاف بحب الاشراف، مصر [۱۳۱۶]، چاپ افت قم ۱۳۶۳ ش؛ محمد بن حسن صفار قمی، بصائر الدرجات الکبری فی فضائل آل محمد (ع)، چاپ محسن کوچه باغی تبریزی، تهران ۱۳۶۲ ش؛ احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج، چاپ محمدباقر موسوی خراسان، نجف ۱۳۸۶/۱۹۶۶، چاپ افت قم [بی‌تا]؛ طبری، تاریخ (بیروت)، نعمان بن محمد قاضی نعمان، شرح الاخبار فی فضائل الاثمة الاطهار، چاپ محمد حسینی جلالی، قم ۱۴۰۹-۱۴۱۲؛ حسین بن علی کاشفی، روضة الشهداء، چاپ محمد رمضان، [تهران] ۱۳۴۱ ش؛ کلینی؛ یوسف بن عبدالرحمان مزّی، تهذیب الکمال فی اسماء الرجال، چاپ بشار عواد معروف، بیروت ۲۰۰۲/۱۴۲۲؛ مصعب بن عبدالله، کتاب نسب قریش، چاپ لوی پروانسال، قاهره ۱۹۵۳؛ محمد بن محمد مفید، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم ۱۴۱۳؛ یعقوبی، تاریخ.

/محمد علی میر /

حسین بن عیاش سلمی جَزَری باجدایی، محدث اهل سنت در قرن دوم و سوم. از تاریخ دقیق ولادت او اطلاعی در دست نیست. کنیه او ابوبکر و به باجدایی / باجدایی مشهور است (→ مزّی، ج ۶، ص ۴۵۹؛ سمعانی، ج ۱، ص ۲۴۵) وی ظاهراً منسوب به باجدا* در منطقه جزیره* بوده است زیرا در ادامه نام وی، رقی جَزَری ذکر شده است (→ مزّی، همانجا). راویان وی در حدیث نیز از همین منطقه بوده‌اند (→ ابن حبان،